

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هشتم-شماره چهارم-زمستان ۱۳۹۴-شماره پیاپی ۳۰

سبک‌شناسی منظومه‌ی مظهرالآثار

(ص ۴۳-۲۳)

حامد حسین‌خانی (نویسنده مسئول)^۱، محمود مدبری^۲، محمد صادق بصیری^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۲/۲۹

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۲۱

چکیده:

مثنوی مظهرالآثار شاه جهانگیر هاشمی کرمانی از شاعران و عارفان قرن نهم و دهم هجری، از جمله منظومه‌های شورانگیز عرفانی-حکمی است که با همه ارزشهای ادبی، عرفانی و فرهنگی، نسبتاً ناشناخته مانده است. برای شناخت و معرفی این اثر، نیاز به مطالعه و تحقیق از جنبه‌های گوناگون است. یکی از آن جنبه‌ها بررسی کامل ویژگیهای سبکی آن است. در این مقاله تلاش میشود سبک‌شناسی مثنوی مظهرالآثار در سه قلمرو ویژگیهای صوری و زبانی، ویژگیهای بلاغی و ادبی و سرانجام ویژگیهای معنایی و محتوایی آن بررسی و معرفی شود. هر یک از این سه حوزه، خود دارای لایه‌ها و زیر مجموعه‌هایی است که شاخصترینهای آنها از منظر سبک‌شناسی مورد توجه و بحث قرار گرفته‌اند. در نتیجه از این رهگذر، بارزترین ویژگیهای سبکی این منظومه مشخص و ارزشها و جایگاه آن در ادب عرفانی ما شناسانده‌تر میشود.

کلمات کلیدی: مثنوی، مظهرالآثار، هاشمی کرمانی، سبک‌شناسی، شعر قرنهای نهم و دهم.

^۱ دانشجوی دکتری زبان وادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان hamed.hoseinkhani@gmail.com

^۲ استاد دانشگاه شهید باهنر کرمان

^۳ دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

۱-مقدمه

منظومهٔ مظهرالآثار، سرودهٔ شاه جهانگیر هاشمی کرمانی، از شاعران و عارفان برجسته اما گمنام قرنهای نهم و دهم هجری است. این منظومه، به پیروی از مخزن الاسرار نظامی پدید آمده که با همهٔ ناشناختگی از قویترین مثنویهای متعددی است که در بحر و وزن مخزن الاسرار و با تأثیر از آن سروده شده است. شناخت و معرفی دقیق و کامل این اثر و جایگاه ادبی و عرفانی آن، بی تردید با تحلیل و بررسی شاخصه‌های سبکی آن از جنبه‌های گوناگون و رویکردی همه جانبه به سبک‌شناسی آن، بدست می‌آید. برای شناخت بارزترین ویژگیهای سبکی این منظومه، تحقیقی روشمند و جامع لازم است که در این مقاله به آن می‌پردازیم. روش کار در این تحقیق کتابخانه‌ای، تحلیلی و سندکاوی است.

۱-۱- ضرورت تحقیق

با توجه به اینکه منظومهٔ مظهرالآثار یکی از مهمترین آثار منظوم قرن دهم است که تاکنون آنگونه که بایستهٔ آن بوده شناسایی، ارزشگزاری و معرفی نشده است، ضرورت دارد از جنبه‌های مختلف به مزیتها و ارزشهای ادبی آن توجه شود و جایگاه و میزان اثر بخشی آن را بررسی کنیم. بویژه با توجه به روزگار سرایندهٔ آن (قرن دهم) که کمتر آثار درجه یک و درخشان ادبی از آن دوره سراغ داریم. برای این مهم، انجام مطالعه و تحقیق پیرامون ویژگیهای سبکی این منظومه از جنبه‌های مختلف در عرصهٔ کارها و پژوهشهای ادبی از ضرورتهاست.

۱-۲- پیشینهٔ تحقیق

در این تحقیق، کتابها و منابعی که از روزگار شاعر تا امروز دربارهٔ هاشمی کرمانی و اثرش، مطالبی نوشته و اطلاعاتی بدست داده‌اند کمک‌رسان است. کتابهایی مانند هفت اقلیم رازی، تاریخ معصومی، عرفات العاشقین، مآثر رحیمی، طرائق الحقایق، تاریخ ادبیات فارسی هرمان اته، تاریخ ادبیات در ایران به قلم استاد صفا و منابعی دیگر که در فهرست منابع، بسیاری از آنها معرفی شده‌اند. البته هیچ یک از این منابع به سبک‌شناسی این منظومه نپرداخته‌اند و مقاله‌ای هم مشخصاً در اینباره، نگاشته نشده است. بهمین سبب رجوع به متن مظهر^۱ و بررسی دقیق آن از جنبه‌های صوری، بلاغی و عرفانی با کمک از منابعی در موضوع علوم یاد شده، لازم است که فهرست کامل این منابع نیز در پایان تحقیق آمده و میتوان آنها را نیز به عنوان پیشینهٔ این تحقیق

^۱ حدود شصت سال پیش، حسام الدین راشدی محقق پاکستانی، با تکیه به یکی دو نسخه خطی که در دست داشته با مقدمه‌ای، مظهرالآثار را چاپ و منتشر کرده است که با توجه به عدم دسترسی مصحح به نسخه‌های متعدد و معتبر داخل ایران، کار او ضمن ارزشمندی، بسیار ناقص و مغلوط و کتابش نیز بسیار کمیاب است. تصویر آن کتاب و هفت نسخه خطی داخل ایران، نزد نگارندگان موجود است.

قلمداد کرد. مقاله دکتر مهرداد چترایی درباره جلوه‌های عرفان در مظهرالآثار هاشمی که در فصلنامه درّ درّی، شماره ۲، سال ۱۳۹۱ به چاپ رسیده نیز مورد نظر نگارنده بوده است.

۲- بحث

مثنوی مظهرالآثار، منظومه‌ای عرفانی- حکمی است که هاشمی کرمانی از شاعران و عارفان قرنهای نهم و دهم هجری آنرا در سال ۹۴۰هـ در شهر تته سرزمین سند سروده است. شرح زندگانی، احوال و آثار هاشمی در تذکره‌ها و تواریخ و برخی منابع متأخر به شکل پراکنده آمده است که نگارندگان در مقاله‌ای مجزاً بطور کامل به آن پرداخته‌اند. خلاصه معرفی احوال و آثار هاشمی با نظر به منابع و مشخص کردن اختلافات و برخی اشتباهات آنها چنین است:

شاه جهانگیر هاشمی کرمانی در نیمه دوم قرن نهم در کرمان متولد شد. نسبت او از طرف پدر به شاه قاسم انوار و از طرف مادر به شاه نعمت الله ولی میرسد. از دوران کودکی و جوانی او، اطلاعات روشنی در دست نیست؛ اما مشخص است که او میراث دار ادیبان و عارفان به نام است. از اینرو بی تردید در خانواده و محیطی که او را ترغیب به آموختن و سرودن میکرده، رشد و نمو یافته است. هاشمی در طول زندگی خود نیز سفرهایی داشته است؛ از جمله آخرین و مهمترین سفر او به سرزمین سند بوده که احتمالاً بعد از سال ۹۳۰ به آنجا کوچیده و بیش از ده سال در آنجا اقامت کرده است. در آنزمان ارغونیان بر سند حکمرانی میکردند و شاه حسن ارغون، حاکم آنجا که شخصیتی ادب دوست و هنر پرور داشته، هاشمی را تکریم و احترام بسیار میکرده و به مقام معنوی، علمی و ادبی او ارادت میورزیده است. هاشمی که صاحب دیوان اشعاری نیز بوده، در سال ۹۴۰ به دعوت و ترغیب شاه حسن ارغون و بزرگان سند، مثنوی عرفانی مظهر الآثار را به اقتضای مخزن الاسرار نظامی سروده است و آنرا به نام حسن ارغون کرده است. این مثنوی که در بحر و وزن مخزن است، با بیانی شورانگیز از درخشانترین نمونه‌های پیروی از مخزن الاسرار است؛ اما به دلایلی آنگونه که شایسته آن است، شناخته و معرفی نشده است. هاشمی در سرودن این اثر به تحفه الاحرار جامی و مطلع الانوار امیرخسرو دهلوی نیز نظر داشته است. بخشهای اصلی این منظومه شامل این اجزاست: آغاز به تسمیه و تحمید، چهار مناجات، پنج نعت، سه روضه، بیست موعظه و خاتمه کتاب.

هاشمی در سال ۹۴۶ هـ به قصد بازگشت به ایران و زیارت خانه خدا راهی سفر شد و در حوالی مکران نزدیک مرز ایران به دست راهزنان به قتل رسید. (هفت اقلیم، تصحیح طاهری، ج ۱: ص ۲۹۹)، (تاریخ معصومی، تصحیح بن داود: ص ۲۰۵)، (عرفات العاشقین، تصحیح ناجی، ج ۶: ص ۴۱۱۲۸)، (مآثر رحیمی، تصحیح هدایت حسین، ج ۲: ص ۳۲۱)، (سفینه خوشگو، تصحیح کلیم اصغر، ج ۲: ص ۷۹۱)، (ریاض الشعراء، تصحیح ناجی، ج ۴: ص ۲۴۸۷)، (آتشکده، تصحیح ناصری، ج ۲: ص ۶۵۴)، (مجمع الفصحا، تصحیح مظاهر مصفا، ج ۲: ص ۱۲۱)، (طرائق الحقایق، تصحیح محبوب، ج ۳:

ص ۱۰۱)، (مظہرالآثار، به کوشش راشدی: صص ۳۰-۱)، (تاریخ نظم و نثر در ایران، نفیسی: ص ۴۰۹)، (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۵، ب ۲: صص ۶۵۵-۶۵۳) و (کاروان هند، گلچین معانی، ج ۱: صص ۸۶۰-۸۴۳)

منظومه مظہرالآثار، تنها اثر بر جای مانده از هاشمی کرمانی است که به تصریح خود شاعر در سال ۹۴۰ در شهر تنه سرزمین هند سروده شده است. این اثر که به پیروی از مخزن الاسرار نظامی و تحفه الاحرار جامی پدید آمده در بحر سریع و وزن مفتعلن مفتعلن فاعلن (فاعلات) است. مظہرالآثار شامل آغاز کتاب با تسمیه و تحمیدیه، منجاتهای چهارگانه، نعتهای پنج گانه، روضه‌های سه گانه، مواعظ بیست گانه همراه با یک حکایت برای هر موعظه و خاتمه کتاب است. با در نظر گرفتن اختلاف نسخه‌ها، تعداد ابیات آن حدود ۲۴۰۰ بیت است.

هفت نسخه از این اثر، نزد نگارندگان موجود است که کار تصحیح متن، با تطبیق و بررسی آنها انجام شده است. معرفی کامل نسخه‌ها نیاز به مقاله‌ای جداگانه دارد؛ از اینرو تنها به ذکر فهرست آنها اکتفا میشود: دو نسخه کتابخانه مجلس، به شماره‌های ۸۹۹۲ و ۹۱۷۳، نسخه کتابخانه گلپایگانی، به شماره ۲۹/۲۶-۲۲۷۵/۱، نسخه کتابخانه مرعشی، به شماره ۹۵۴۰، نسخه کتابخانه ملک، به شماره ۳۶۳۵/۱، نسخه کتابخانه دانشگاه تهران، به شماره ۱۲۰۱/۳- ف و سرانجام نسخه آستان قدس، به شماره ۴۱۳۲۲.

مظہرالآثار مانند هر اثر ادبی دیگر، ویژگیهای متنوعی در سطوح مختلف متن دارد که میتوانیم برای این متن ادبی به نوعی ارزشگزاری دست بزنیم و برای آن جایگاهی مشخص کنیم. بررسی و تحلیل تمام این ویژگیها از جنبه‌های گوناگون، میتواند ذیل عنوان سبک‌شناسی این منظومه قرار گیرد و به عبارتی دیگر چند و چون ویژگیها و شاخصه‌های سبکی این اثر، برای شناخت و معرفی کامل آن ضروری است. در سبک‌شناسی آثاری از این دست، میتوان سه قلمرو اصلی برای آن در نظر گرفت که هر کدام میتوانند زیر شاخه‌ها و جزئیات ویژه خود را دارا باشند. اول، جنبه‌های صوری و زبانی متن که بیشتر در حوزه علم زبانشناسی درباره آن بحث میشود؛ دوم جنبه‌های بلاغی و ادبی متن که دانشهای معانی، بیان و بدیع و همچنین نقدهای درون متن ادبی به آن میپردازند؛ سوم جنبه‌های معنایی، محتوایی و اندیشگانی اثر که بازنماینده باورها، تفکر و رویکردهای ایدئولوژیک نویسنده یا شاعر است و بار فرهنگی متن در این حوزه قابل توجه است که از مسیر نقدهای ایدئولوژیک، هرمنوتیکی، جامعه‌شناسی و روانشناسی میتوان به سراغ آن رفت. بنابراین نگاهی تحلیلی به مثنوی مظہرالآثار در بستر سه جنبه کلی سبک‌شناسی که مورد نظر و اشاره نگارندان است، بایسته مینماید. ابتدا جنبه صوری و زبانی را بررسی میکنیم.

۲-۱- ویژگیهای صوری و زبانی

ویژگیهای زبانی مظهرالآثار و صورت این متن، ضمن متأثر بودن از مخزن الاسرار، نکات قابل توجهی دارد که بیان میشود. در مجموع، زبان مظهرالآثار در مقایسه با مخزن الاسرار ساده‌تر است. چه اینکه مخزن اثری کهنتر است و سراینده آن نظامی، که در دوران جوانی خود اولین منظومه‌اش را سروده، تعمّدی در پیچیده سخن گفتن و رمز آلود سرودن داشته که با همه روانی و خوش آهنگی، زبانی نسبتاً سنگین دارد. اما زبان مظهرالآثار در عین متأثر بودن از مخزن، نرم‌تر و ساده‌تر است. این سادگی در زبان، مورد توجه برخی از محققان نیز بوده است. حسام الدین راشدی درباره این اثر نوشته است: «زبان این مثنوی، خیلی ساده و پیرایه بیان آن دلنشین، سلیس و دارای رموز اسرار تصوّف و خداشناسی و ...» (مقدمه مظهرالآثار، تصحیح راشدی)

بهر حال اگر در مواجهه با هر اثر ادبی، از منظر زبان به شناخت سبک آن، بپردازیم میتوان به سه لایه آوایی، واژگانی و نحوی توجه کرد و با مدد از علم زبانشناسی این لایه‌های زبانی را کاوید. (سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، ص ۲۴۱)

۲-۱-۱- ویژگیهای لایه آوایی

بخشی از کارکرد لایه آوایی در مظهر الآثار، در ذات وزن آهنگین و پرطنین آن، نهفته است. تمام منظومه‌هایی که در وزن مفتعلن مفتعلن فاعلن (فاعلات) از مخزن تا مظهر سروده شده‌اند، به حسب توان و تبخّر شاعر از وجه موسیقایی آواها بهره‌مند بوده‌اند.

قابلیت این وزن بگونه‌ای است که شاعر میتواند از مصوّتهای بلند (آ-ای-او) به خوبی بهره بگیرد و با تکرار و توالی آنها به غنای موسیقایی شعر خود بیفزاید. ابیات از این دست فراوانند:

آنکه جهان آینه روی اوست روی همه رو به سوی کوی اوست...
نور فزاینده خورشید جود آینه آرای جمال شهود...

(همان: ۱۳)

دکتر شفیع با تعبیر تکرارهای نامرئی، به تکرار صامت‌ها و مصوّتها که در دو یا چند کلمه همانندند، توجه کرده و به کارکرد موسیقایی آواها در غزلیات شمس پرداخته‌اند. (موسیقی شعر، ص ۴۱۳) با تأملی در ابیات مظهر الآثار نمایان میشود که شاعر از این ظرفیت زبانی به خوبی بهره جسته و به غنای موسیقایی اثر خود افزوده است. البته بحث تکرار و تنوع و توالی مصوّتها و صامت‌ها، در حوزه آرایه‌های لفظی نیز موضوعیت دارد و با عنوان «واج آرایی» شناخته میشود که در جای خود به آن میپردازیم.

۲-۱-۲- ویژگیهای لایه واژگانی

واکاوی لایه واژگانی هر متن ادبی از مهمترین عوامل شناخت برخی از ویژگیهای سبکی آن اثر است. بهر حال واژه‌ها بعنوان کوچکترین واحد معنادار زبان، مهمترین نقش را در سامان گرفتن یک

متن، هویت و معنا بخشیدن به آن و ایجاد ارتباط و حتی کارکردهای ثانویه در زبان، یعنی خلق بُعد زیباشناسی متن دارند. سبک یک متن ادبی میتواند بسیار متأثر از نحوه واژه‌گزینی، واژه‌سازی، ترکیب‌سازی با واژه‌ها، چگونگی چینش واژه‌ها، گستره دایره کلمات، بار فرهنگی واژه‌ها، کهن‌گرایی واژه‌ها و میزان نشانه‌دار بودن آنها باشد. اما جایگاه کلمه در شعر، آنقدر خاص و مهم است که برخی، شعر را رستاخیز واژه‌ها میدانند. در آثار منظوم و شاهکارهای شعری، بسته به نوع (ژانر)، درونمایه و سلیقه و توانایی شاعر، میتوان دست به دسته‌بندی واژه‌ها زد. مثلاً نوع و بسامد دسته‌ای خاص از واژه‌ها در یک اثر حماسی چون شاهنامه، حتماً تفاوت‌هایی با کلمات یک منظومه عرفانی چون منطق الطیر عطار دارد. اما با تأمل در مظهرالآثار هاشمی از این منظر، در می‌یابیم که دایره واژگانی آن بسیار وسیع است و شاعر با چیره‌دستی، تنوع و کمیت قابل توجهی در این حوزه با شگردهای مختلف ایجاد کرده است. واژه‌گزینی‌های هاشمی هوشمندانه و آگاهانه و متناسب با محتوای شعر و هدف شاعر و با رویکردی زیباشناسانه انجام شده است. مثلاً در آغاز منظومه که به رمزگشایی حروف آیه شریفه «بسم الله» می‌پردازد، واژه‌هایی بر می‌گزیند که هم به لحاظ معنایی هم موسیقایی آغازگری و گشایش و تقدس را به مخاطب القا میکند:

مطلع مفتوحه صدق و صفاست سر ورق حمد و لویای خداست
خطبه ذی بال همایون خطاب خال و خط عارض ام الكتاب...
(هاشمی، ۱۹۵۷: ۲)

و این رویکرد آگاهانه به گزینش واژه‌ها به فراخور ضرورت‌های معنایی و زیباشناسی تا پایان منظومه او آشکار است. همانگونه که اشاره شد یکی دیگر از شگردهای شاعران در قبال کلمات، کهن‌گرایی است. بسامد واژگان کهن در اثر ادبی و به ویژه شعر نیز به تشخیص و هدف شاعر برمیگردد. با توجه به اینکه هاشمی، هم از پشتوانه دیرسال عرفانی برخوردار بوده و هم ملهم و متأثر از مخزن الاسرار و دیگر منظومه‌های عرفانی پیش از خود بوده است، واژه‌های کهن مربوط به متون قدیمی مورد اشاره، به شکلی متعادل به شعر او راه یافته و شکوهی دلنشین به شعر او بخشیده. به نظر این دسته از کلمات که در منظومه هاشمی آمده، بیشتر از متن مخزن الاسرار نظامی وام گرفته شده و در دوره هاشمی (قرن دهم) چندان رواجی نداشته‌اند.

این کهن‌گرایی (آرکائیسیم) غالباً یکی از ویژگی‌های سبکی آثاری چون مظهر الآثار است که به پیروی از آثار متقدم سروده شده است که نوعی رابطه بینامتنی را خلق میکند. جفری لیچ می‌گوید: «زبان کهن، شکوه و وقاری را تداعی میکند که پژوهاک ادبیات ماندگار و از دستاوردهای ادبیات والاست.»

(Aligus cuide to English poetry: 14)

یکی دیگر از شگردهای خلاقانه شاعران چیره‌دست، آفرینش واژه‌های نو است. اساساً پویایی زبان ایجاب میکند که کلمات جدید در بستر آن پدید آیند و رواج یابند. شاعران و نویسندگان خلاق در

تمام زبانها به این ویژگی ذاتی زبان کمک شایانی میکنند. از این منظر، مظهر الآثار نیز تا حدودی دارای برجستگی است. البته شاعر در این اثر مستقیماً واژه‌سازی چندانی نکرده اما متأثر از نظامی، با ترکیب دو واژه به نوعی ترکیب‌سازیهای جدید دست زده که این ترکیب‌های تازه در مظهر الآثار بسامد نسبتاً بالایی دارد؛ بویژه در بخشهای آغازین آن. شیوه این ترکیب‌سازی که به نظر، نظامی از پیشگامان آن است، غالباً چنین است: (اسم + بن فعل مضارع) مانند (چهره + گشا = چهره‌گشا) یا «لعل طراز» و ترکیب‌هایی از این دست که در منظومه نظامی فراوان است: مثلاً در این ابیات:

لعل طرازِ کمر آفتاب خله‌گر خاک و خلی بند آب
 پرورش آموزِ درون پروران روز برآرنده روزی خوران...
 (مخزن الاسرار: ص ۳)

بسامد این نوع ترکیب‌سازیها برای ایجاد صفت فاعلی در مثنوی مخزن، زیاد است؛ مثلاً در صد بیت اول آن سی و چهار بار این نوع ترکیبها کاربرد داشته‌اند. (همان: ص ۲۳ از مقدمه) مظهر الآثار هاشمی نیز به همین سیاق، دارای ترکیب‌سازیهای نوینی است که اگرچه ساختار آنها همان ساختار ترکیبات نظامی است، اما در بسیاری موارد، ترکیب این کلمات، تازه است و اولین بار در مظهر الآثار بکار رفته است. نمونه‌هایی از آنها را در این ابیات میبینیم:

ناظم سررشته ملک حیات جلوه ده سلسله کاینات
 نور فزاینده خورشید جود آینه آرای جمال وجود
 رشته‌گشای گره خاکیان مهره‌کش سبحة افلاکیان
 چهره‌نگار صور آب و خاک روشنی دیده جانهای پاک
 چرخ‌کش گوهر خورشید و ماه لعل طراز شفق صبحگاه...
 ...دایره پرداز رخ ماه و مهر نقش بر نطع ادیم سپهر
 آل گر عارض خوش منظران گونه ده اشک نظر پروران...
 (مخزن الاسرار: ص ۳)

به غیر از یکی دو مورد، تمام این ترکیب‌سازیها برای اولین بار در مظهر الآثار عرضه شده‌اند. مثلاً ترکیب زیبای گونه ده (گونه + ده) در مصراع «گونه ده اشک نظر پروران» از فرازهای بسیار خلاقانه این ابیات است که به خلق تصویری دلنشین و پویا انجامیده است.

بهر روی، این نوع استخدام واژه‌ها و ترکیب‌سازیهای نو، یکی از شاخصه‌های مهم سبکی مظهر الآثار است و نشان میدهد که شاعر توفیق یافته است بر اساس قیاس دستوری و واژه‌سازیهای مرکب، صورت زبانی تازه‌ای خلق کند. سوسور میگوید: «صورت قیاسی عبارت است از صورتی که برحسب قانونی معین از روی الگوی یک یا چند صورت دیگر ساخته شده باشد.» (دوره زبانشناسی عمومی،

ص ۲۳۵) که نمونه آشکار آن در مظهر الآثار مشاهده شد تا آنجا که به یکی از ویژگیهای سبکی اثر، تبدیل شده است. از دیگر ویژگیهای مظهرالآثار بسامد بالای کلماتی است که دارای بار فرهنگی خاص هستند یا نشانه دارند؛ یعنی به شکلی رمزی، نمادین، مجازی یا استعاری کارکرد ثانویه پیدا کرده یا به عبارتی دالهایی هستند که بر مدلولهایی غیر از معنای ظاهری خود دلالت دارند. این ویژگی در متون و منظومه‌های عرفانی اوج میگیرد؛ چرا که اصطلاحات خاص عرفانی، در این آثار، پُرکاربردند و اساساً متون ادبی - عرفانی از زبان رمز و تمثیل بهره میبرند که در جای خود بیشتر به آن میپردازیم.

۲-۱-۳- ویژگیهای لایه نحوی

در لایه نحوی، تکیه بر جمله‌هاست. کیفیت چیدمان کلمات در جمله، طول جمله‌ها، نوع جمله‌ها، جابجایی ارکان جمله، وجه و زمان جمله‌ها، همه میتوانند در شکلگیری سبک یک اثر، موثر باشند. بی‌تردید دگرگونیهای جمله و تنوع آنها در زبان شعری، برجسته‌تر است. چرا که ضرورت‌های وزنی، موسیقایی، عاطفی و بلاغی موجب این تنوع و تحول میشود. اگر شاعر، آگاهانه در بکارگیری جمله‌هایی خاص با ویژگیهای هدف‌دار و متناسب با فضا و بستر شعر اصرار داشته باشد، این رویکرد میتواند به عنوان ویژگی سبکی شعر او برجسته شود. مثلاً در یک شعر حماسی، شاعر برای تأکید بیشتر بر کنشگری قهرمان و همچنین برای تهییج موسیقایی مخاطب، ارکان جمله را جابجا میکند و فعل را از پایان جمله به آغاز آن منتقل میکند. برای نمونه به جای آنکه بگوید: «آنچنان تو را با گرز گران بکوبم» میگوید: «چنان بکوبم به گرز گران» که تفاوت تأثیر آنها روشن است. بسیاری معتقدند که بررسی ساختار نحوی در سبک پژوهی، اهمیت بسیار دارد، چرا که ساختارهای نحوی جمله‌ها، با نوع سبک، پیوند استواری دارد. (4) Grammar As style:

در مظهرالآثار نیز چند نکته درباره ساختار نحوی آن و وضعیت جمله‌ها غالب است که باید به آن توجه داشت. اول اینکه به فراخور وزن کوتاه و آهنگین این منظومه، همانگونه که از نام بحر آن (سریع) نیز بر می‌آید جمله‌ها کوتاه، کوتاه بکار رفته‌اند. اصولاً جمله‌های زبان شعر، بسیار کوتاه‌تر از جمله‌های آثار منثورند. بویژه در اوزانی از این دست، که شاعر به موسیقی و احیاناً به ایجاز هم توجه دارد. دوم اینکه برخلاف روند عادی نحو جمله، افعال جمله‌ها در مظهرالآثار در پایان جمله نیامده است و غالباً در آغاز یا وسط جمله بکار رفته که آن هم بدلیل ضرورت‌های موسیقایی یا عاطفی، آگاهانه و هنرمندانه انجام گرفته است که میتواند به عنوان یک خصیصه این اثر، مورد توجه باشد. برای نمونه چند بیت، ملاحظه میشود:

<p>چاره من کن که سیه نامهام دار به رنگی که تو خواهی مرا بخش به رنگی ز دورنگی نجات عاجز و بیچاره و شرمنده‌ای بوالهوسی، ابتر بی حاصلی... (هاشمی، ۱۹۵۷: ۱۵)</p>	<p>شد سیه از مشق گنه نامهام عفو کن از نامه سیاهی مرا هم تو به فیض رشحات حیات من چه کسم؟ غرق گنه بنده‌ای در روش علم و عمل غافل</p>
---	---

یکی دیگر از موارد شایسته توجه، درباره مظهرالآثار، وجه فعل در جمله‌های آن است. تنوع و تعدد وجه فعل در شعر میتواند به خلق چند صدایی^۱ و جاذبه‌مندی در اثر کمک کند و اگر این، به رویکرد شاعر تبدیل شود میتواند به سبک اثر، جهت و نمود ببخشد. از اینرو وجه فعل در لایه نحوی اثر نیز مهم است. درباره وجه فعل، آمده است: «صورت یا جنبه‌هایی از آن است که بر اخبار، احتمال، امر، آرزو، تمنا، تأکید، امید و برخی امور دیگر دلالت میکند.» (دستور مفصل امروز: ص ۳۸۱). با دقت در ابیات مظهرالآثار، در می‌یابیم که وجوه مختلف فعل در جمله‌های آن بروز و ظهور دارد که به چند نواختی منظومه انجامیده و از کسالت باری برخی از مثنویهای تعلیمی که بیشتر، وجه امری فعل در آنها غلبه دارد در منظومه مظهرالآثار خبری نیست. شاعر در این اثر، در کنار وجه اخباری، از وجوه تمنایی، معرفتی، عاطفی، التزامی و دیگر وجوه نیز بهره جسته است. برای نمونه، چند بیت نقل شده قبل، ملاحظه شود.

۲-۲- نوآوریها و برجستگیهای بلاغی و ادبی

روشن است آنچه به زبان، ادبیت میبخشد، کاربردهای بلاغی، صورتهای مجازی زبان و برجسته کردن وجوه زیباشناسی زبان است. چند و چون ادبیت متن، میتواند به عنوان مهمترین بستر رهیافت شناخت به سبک آن اثر باشد. بنابراین تحلیل و بررسی سطح بلاغی زبان، سهم فراوانی در سبک‌شناسی ادبی دارد. شگردهای بلاغی را میتوان در سه سطح دلالت‌های ثانویه (معانی)، تصویرپردازی و صور خیال (بیان) و موسیقی زبان و آرایه‌های لفظی و معنوی (بدیع) بررسی کرد. غلبه هر یک از این صناعات و شگردها میتواند، حتی در نام سبک یک اثر تعیین کننده باشد. مثلاً سبک تشبیهی، سبک استعاری، سبک تمثیلی. مظهرالآثار هاشمی کرمانی، بهره فراوانی از سطوح مختلف بلاغی دارد. شاعر با اشراف و توانایی در خلق ادبیت و به عبارتی دقیقتر، خلق شعریت اثر،

^۱ - اولین بار میخائیل باختین، منتقد ادبی و فیلسوف روسی، اصطلاح چندصدایی (poyponie) را که از حوزه موسیقی وام گرفته بود، در حوزه مطالعات و نقد ادبی بکار برد و با تأکید بر آثار داستایوفسکی آنرا رواج داد.

توفیق یافته است. از اینرو منظومه فراروی ما، فرسنگها از برخی آثار منظوم کسالت بار غیرشاعرانه، دوراست و از شورانگیزی و اثر بخشی شعر متعالی برخوردار.

ایجاز

نکته برجسته درباره مظهرالآثار از نظرگاه علم معانی، ایجاز آن است. در بخشهای مختلف مظهر به ویژه در بیان حکایتها و بخش اصلی منظومه یعنی مواعظ بیست‌گانه، شاعر با بیانی ایجاز محور، معانی گسترده و تأویل‌آور رادر الفاظ و ابیات محدود بیان کرده و در این مسیر از دیگر شگردها چون استعاره و تشبیه نیز در خدمت ایجاز کلام خود بهره برده است. چنانکه در المعجم نیز آمده: «پس استعارات و تشبیهات جمله از باب ایجاز است.» (المعجم فی معاییر اشعار العجم، تصحیح قزوینی: ص ۳۷۸). بنابراین ایجاز در شعر هاشمی یکی از شگردهای موقّق اوست و از محاسن منظومه او قلمداد میشود. دکتر شمیسا درباره ایجاز در آثار ادبی میگوید: «در مورد آثار ادبی باید گفت که معمولاً صرفه‌جویی در الفاظ نه تنها به ارائه معنی، ضرر نمیرساند بلکه آنرا رساتر و مؤثرتر میسازد.» (بیان و معانی، ص ۲۱۱). در مظهرالآثار، کمتر اثری از اطناب می‌بینیم و شاعر هم از ایجاز قصر و هم ایجاز حذف بهره برده است. نمونه‌هایی از ابیات را از این نظرگاه، مرور میکنیم:

ای سخت گوهر دریای غیب	طبع تو را سرزده دریا ز جیب
گر سخت پاک و موجّه بود	آن به کسی گوی که آگه بود
روی سخن، سوی سخن سنج به	حرف خرد مایه این گنج به...

(مظهرالآثار: ص ۴۳)

تشبیه و استعاره

اگر از منظر بیانی نیز به مظهرالآثار، توجه کنیم، در می‌یابیم که غالب تصویرپردازیهای شاعر، مبتنی بر تشبیه و بویژه استعاره است. اصولاً قطب استعاری زبان در آثار عرفانی، اهمیت فراوانی دارد و شاعران با بکارگیری انواع استعارات، ضمن تصویرسازی و ایمازآفرینی، در پی خلق معانی ثانویه و لایه‌های معنایی هستند که ویژه آثار عرفانی، از قبیل مظهرالآثار است. از اینرو سراینده مظهر نیز در میان همه قابلیت‌های بیانی بیشتر به تشبیه و استعاره تأکید ورزیده و انواع آنها را در جای جای منظومه خود به تناسب فضای معنایی و به فراخور ضرورت‌های زیباشناسانه بکار برده است. اگرچه در شعر هاشمی انواع تشبیه مانند، حسی به حسی، حسی به عقلی، مرکب، مضمّر، تفضیل و ... دیده میشود و بیشتر از آن، انواع استعاره، اعم از مصرحه، مرشحه، مکنیه و ... حضور دارد، اما حضور این نوع تشبیهات و استعارات در قالب جمله و به شکل غیر ترکیب اضافی، در حد معمول است و به ویژگی بارزی تبدیل نشده، آنچه در این قلمرو به شعر هاشمی برجستگی بخشیده، بسامد بالای اضافه‌های تشبیهی و اضافه‌های استعاری است. در ابیات مظهر، از آغاز تا پایان منظومه، ترکیبات

اضافی مبتنی بر تشبیه بکار رفته که خود این، سبب تقویت جنبه مجازی، نمادگرایانه و تمثیلی زبان منظومه او نیز شده است. برای نمونه ابیاتی که مشحون از این اضافات تشبیهی و استعاری است، ملاحظه میشود:

صیقلی آینه جان توویی
بحر جلالی و محیط کمال
... روزن جان بر دل ما باز کن
روشنی دیده اعیان توویی...
کل جمال لک یا ذالاجلال ...
دیده ما را صدف راز کن...
(همان: ۱۷)

و یا :

... بر دزد این مهد کهن پرده را
در نظر آرد به هزاران نیاز
باز کند قفل طلسم سخن
در کشد از روی سخن پرده را
از صدف سینه گهرهای راز
عرضه دهد جوهر قسم سخن...
(همان: ۳۵)

همچنین در این ابیات:

دانه چو از نطفه ابر بهار
طفل گیاه از روش اعتدال
... مزرع جود است بسی بی قیاس
در رحم خاک شود مایه دار...
در شکم دانه بریزد کمال ...
باد به هر دانه هزاران سپاس...
(همان: ۶۶)

و نمونه‌های از این دست فراوان است. قطعاً میتوان بسامد بالای این اضافه‌های استعاری و تشبیهی را یکی از ویژگیهای سبکی مظهرالآثار قلمداد کرد.

۲-۳- آرایه‌های لفظی

صنایع ادبی که همواره مورد توجه شاعران بوده، هم صنایع لفظی و هم معنوی، بسته به توان شاعر در بکارگیری آنها به نحوی که موجب تقویت بُعد زیباشناسانه اثر شود، میتواند به خصیصه‌های سبکی اثر تبدیل شود. از اینرو بررسی آنها در آثار مهم، کمک شایانی به شناخت ویژگیهای سبکی آفرینشهای ادبی میکند. مظهرالآثار هاشمی نیز متأثر از مخزن و بنا به ضرورت‌های جمالشناسانه از پاره‌ای از این آرایه‌ها بهره برده و در بسیاری موارد با هنرمندی شاعر، جاذبه‌های درون متنی قابل توجهی از رهگذر این صنایع بدست آورده است. ابتدا تعدادی از آرایه‌های لفظی مظهر که کاربردی محسوس و اثربخش در ابیات این منظومه داشته، فهرست و با ذکر شاهد، ملاحظه میشود.

جناس: در مظهرالآثار به شکلی متعادل بهره‌گیری شاعر از انواع جناس، شامل تام، ناقص، مضارع، لاحق، خط، زاید، مذیل، قلب بعض و اشتقاق، آشکار است. در ابیات زیر نمونه‌هایی از آنرا می‌بینیم:

بی رقمش دم مزن از هیچ باب سین نه که دَر صدف سینه است... (همان: ۵)	«با» که بود باب ادب را مآب «سین» که به هر سینه چو گنجینه است
رای سلیم است برای همه (همان: ۱۱)	«را» که بود رایست رای همه
مالک مُلکی و جهان ملک توست (همان: ۱۷)	هر دو جهان یک رقم از کلک توست
چارهٔ این مشّت غرضناک کن (همان: ۲۷)	اهل غرض را ز مرض پاک کن
کای شده آرام دل و رام جان (همان: ۳۱)	گفت به یوسف پدر مهربان

موازنه و مماثله

علم تو بر جملهٔ اشیا محیط کیست که مایل به لقای تو نیست (همان: ۱۷)	نور تو در عالم وسعت، بسیط کیست که قایل به ثنای تو نیست
خوان عطای تو جهان در جهان ... از همه آلودگی‌ام پاک ساز (همان: ۱۸)	ملک بقای تو امان در امان در ره آزاد گوی‌ام خاک ساز

واج آرایبی:

شمسهٔ خورشید، در او گشته خویش (همان: ۳۶)	برده سبق کنگرِ او جش ز عرش
مشرّب ایشان چو می خوشگوار (همان: ۱۳۸)	مستی ایشان ز می عشق یار
علم و عمل زو به کمال آمده (همان: ۱۰)	لام که مخصوص کلام آمده

در مظهرالآثار، برخی دیگر از صنایع لفظی چون انواع سجع در حدّ معمول بکار رفته است.

۲-۴-آرایه‌های معنوی

هاشمی در مظهرالآثار از صنایع معنوی، نیز بهره برده چنانکه در غالب آثار بزرگان به این صنایع توجه شده است. اما مشخص است که هاشمی در مظهر الآثار، قصد فضل فروشی نداشته و در

کاربرد این آرایه‌ها هرگز به ورطه افراط نیفتاده؛ بلکه بسیار آرام و متعادل و گاه پنهان و پوشیده، از برخی آرایه‌های معنوی به فراخور نیاز و درجهت تقویت بار عاطفی، معنایی و غنابخشی به زیبایی کلام، بهره جسته است که به برخی از بارزترین آنها همراه با ذکر نمونه‌هایی اشاره میشود.

حرف‌گرایی

یکی از مشخصه‌های سبکی مظهر، توجه سراینده آن به شکل حروف در ارتباط با معنا، همراه با نازک خیالیهای شاعرانه و البته رمزگراییهای عارفانه است که درباره حروفیه از منظر عرفانی آن، درجای خود بحث میکنیم. نمونه ابیات را مرور میکنیم:

بیشتر از سابقه جان و دل	نقطه و خط بود به هم متصل
عشق چو بر لوح بقا زد نقطه	گشت هویدا ز نقطه چشم خط
هست از آن نقطه و خط حرف میم	نقطه موهوم و خط مستقیم

(همان: ۶)

طره هر لام که تمهید یافت	شانه ز دندانۀ تشدید یافت
--------------------------	--------------------------

(همان: ۸)

چون الف از نقطه گل قد کشید	کلک ازل قامت احمد کشید
----------------------------	------------------------

(همان: ۲۱)

مراعات النظیر

شامه را غالیۀ شوق بخش	ذائقه را چاشنی ذوق بخش
لامسه را مصل اول صاف کن	زنگ هوا از دل و جان صاف کن

(همان: ۱۵)

تضاد و طباق

ساخت گل صبح ز شنگرف شام	کرد سفیدی به سیاهی تمام
-------------------------	-------------------------

(همان: ۱۳)

هست بقای تو جهان را پناه	نیست فنا را به بقای تو راه
--------------------------	----------------------------

(همان: ۱۶)

ایهام

«را» که سر راه رضا و رجاست	راست به درگاه خدا رهنماست
عرش که گوئیسست به دوران عشق	آمده در چرخ ز چوگان عشق

(همان: ۱۰۱)

نی ز لب دوست نشان می‌دهد لذت نی قوتِ روان می‌دهد...
باش چو پرگار به مرکز ستون پامنه از دایره خود برون
(همان: ۱۰۴)

ایهام تناسب

جمله سماع است و صفا، گوش کو؟ این همه صوت است و صدا، گوش کو
(همان: ۱۰۴)

اقتباس و تلمیح

برخی از استادان علوم بلاغی، بین اقتباس و تلمیح تفاوت، ظریفی قائل شده‌اند. اقتباس را آوردن آیه یا روایتی در کلام و تلمیح را اشاره و توجه به وقایع تاریخی بدون آوردن تمام آن دانسته‌اند. درباره اقتباس آنانکه دقت بیشتری به خرج داده‌اند آوردن عین آیه یا بخشی از آنرا اقتباس درج و بکارگیری مضمون آیه را اقتباس حل گفته‌اند. (پرتوهای از قرآن و حدیث در ادب فارسی، ص ۲۹) و (تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی: ص ۳۳). با این توجه، یکی از بارزترین ویژگیهای منظومه هاشمی، نمود فراوان، اقتباس با هر دو نوع و تلمیح به عنوان یکی از رویکردهای سبکی، در آن است.

ابیات شاهد برای اقتباس:

بسم الله الرحمن الرحيم فاتحه آرای کلام قدیم
(مظهرالآثار : ۱)
چهره گشای، صحف بی شبیه مصدر دیباچه لاریب فیه
(همان: ۳)
در طبقات فلک افتد ز بیم زلزله الساعه شی عظیم...
نه سجل چرخ شود مضمحل هفت زمین زیر کطبی السجل
(همان: ۱۴)
جزو کُل مدرسه عقل کل سر ورقش، حوضه تلک الرُّسُل
(همان: ۲۰)
آنکه جهان آینه روی اوست روی همه از همه رو، سوی اوست
(همان: ۱۳)

۱-نشانی آیات مورد اشاره به ترتیب ابیات: بقره/۲، حج/ ۱: انبیاء/۱۰۴، بقره/۲۵۳، بقره/۱۱۵

همچنین در حکایات مظهر، تلمیحات فراوانی به روایات و احوالات تاریخ زندگی عرفا، اولیاء و انبیاء می‌بینیم. منظومه مظهر الآثار در بهره‌گیری از اقتباس و تلمیح آنهم در هماهنگی کامل با موضوع و محتوای مورد نظر شاعر، بسیار غنی است و این رویکرد، یکی از ویژگیهای قابل توجه سبکی این مثنوی است.

۲-۵- ویژگیهای معنایی، محتوایی و مضمونی:

همانگونه که پیش از این اشاره شد، منظومه مظهرالآثار، یک مثنوی عرفانی تمام عیار است و از بیت اول تا پایان، درونمایه عارفانه و صوفیانه آن با پیوستگی و انسجام پنهان و آشکار بخشهای مختلف اثر، حفظ شده. محتوای عرفانی آن ضمن برخورداری از یک وحدت کلی با تنوعی هنرمندانه در موضوعات گوناگون و با مضمونهای متنوع، غنای خاصی پیدا کرده و از این جهت نیز این منظومه را میتوان در سلک مثنویهای عرفانی پیش از هاشمی، چون سنایی، نظامی، عطار و حتی مولانا قلمداد کرد. هاشمی به پیروی شاعران عارف پیش از خود و بنا به دریافتهای باطنی و دانش و اندیشه‌های عارفانه خود، در این منظومه، با رویکردی آشکارا به قرآن، روایات و سخنان اولیاء و همچنین با پرداختن به موضوع عبادات و آداب مهم شریعت، چون روزه و حج و زکات، بن‌مایه‌های ژرف و شورانگیز عرفانی این موضوعات را مطرح کرده است. او منظومه‌اش را با توحید و تحمید و تسبیح و اسرار عرفانی آنها شروع کرده و با نعتها و مناجاتهای شورانگیز به بخش اصلی منظومه خود یعنی مواعظ بیست‌گانه پرداخته و موضوعات مورد توجه اهل سلوک را مانند تجرید و عزلت و جوانی و پیری و عشق، مطرح کرده است؛ به نحوی که اندیشه‌های عرفانی و حکمی سراینده در زبان و ساختار منظومه او به تمامی متجلی شده است. در این بخش به محورهای اصلی معنایی و اندیشگانی مظهرالآثار با ایجاز و اختصار و البته توجه به مسائل اصلی میپردازیم.

۲-۵-۱- مبانی و مضامین عرفانی

یکی از مبانی مهم عرفانی مظهرالآثار، مقوله توحید است. مظهرالآثار نیز مانند تمام آثار و منظومه‌های عرفانی بنیاد کار خود را بر رسیدن به حقیقت توحید میگذارد تا در پرتو این وحدت مطلق، حجابها و هستیهای موهوم یا به عبارتی دیگر، مراتب شرک از دل و جان آدمی رخت بریندد.

وحدت مطلق چو نماید جمال محو شود عالم خواب و خیال
(همان: ۱۴)

توحید با تمام مراتبش، ذاتی، صفاتی و افعالی در آثار عارفانی چون هاشمی کرمانی، بازتاب دارد و پیرامون آن قلم فرسایی و سخن‌سراییه‌ها شده است. از اینرو در امتداد بحث توحید، یکی دیگر از مبانی مظهرالآثار شناخت و شرح توحید و مراتب آن و ورود به بحث اسماء و صفات الهی است. بهمین دلیل در همان آغاز مثنوی و بخش تمحید و مناجات، به فراخور موضوع از تجلیات اسماء و

صفات حق در آیینۀ مظاهر و موجودات سخن گفته است و این سیر در صفات و مظاهر متکثر آن برای شناخت آن وحدت مطلق لازم است. دکتر رستگار فسایی میگوید: «در آثار عرفانی، تحمیدی یا مناجات در آغاز متن، جایگاهی است برای برشمردن صفات جمال و جلال الهی و بیان عظمت و قدرت لایزال...» (انواع شعر فارسی، ص ۱۶). شاه نعمت الله ولی مقتدای عرفانی هاشمی، در رسائل خود، ذیل بحث توحید میگوید: «اما غیر این اسم جامع، هر اسمی او را طریقی است خاص که مختص است به آن اسم و آن اسم مرتبی مظهر خود است.» (رساله‌های شاه نعمت الله ولی، ص ۳۹). هاشمی که متأثر از آثار و اندیشه‌های شاه نعمت الله ولی و وارث عرفانی اوست به حوزه ظهور اسماء و صفات و شناخت نسبت به مقوله توحید، توجهی خاص داشته است:

ای ز جمال تو جهان غرق نور	نور بطون تو حجاب ظهور
مصحف وجه تو بطون بر بطون	آیت حسن تو شیون بر شیون
هست صفات تو برون از قیاس	پی نبرد سوی تو عقل و حواس
تافتنه از پرتو خورشید ذات	عکس تو بر آینه کائنات

(مظهر الآثار: ص ۱۶)

هاشمی در قالب مناجات‌ها و نعت‌های آغازین مظهر الآثار در ابیاتی شیوا و شورانگیز، از جنبه‌های گوناگون این مباحث توحیدی و مراتب آن را در بستر ظهور اسماء و صفات حق، مطرح میکند. در مثنوی مظهر الآثار مضامینی چو استغناء، مناجات، منقبت حضرت رسول، منقبت امام علی (ع) و برخی عرفا، نعت، هدایت و دستگیری پیر، خلوت دل و ... در بخش‌های مختلف، به فراوانی و شیوایی حضور دارند.

۲-۵-۲- اندیشه‌های جنبش حروفیه

از همان آغاز منظومه، شاعر در سی و یک بیت، با بیانی هنرمندانه و ذوقی به شرح اسرار عرفانی حروف «بسم الله الرحمن الرحيم» پرداخته و ظهور عشق ازلی را نتیجه پیدایش حروف «بسمله» میداند:

بسم الله الرحمن الرحيم	فاتحه آرای کلام قدیم
با که بود باب ادب را مآب	بی رقمش دم مزن از هیچ باب
نقطه این بسمله پرفتح	دانه مرغغان گلستان روح
سین که به هر سینه چو گنجینه است	سین که نه صدر صحف سینه است

(همان: ۷-۴)

شاعر، با بیانی ایهام‌گونه و ایماژهای شاعرانه، لطایف عرفانی را با تأویل معنای این حروف، کشف کرده است. این اشارات عرفانی را میتوان به منزله براعت استهلال دانست.

ها که دو جزم است ز روی نمود جزم بود عینک چشم شهود...
 میم که در گلشن رحمان بود غنچه نخل چمن جان بود...
 (همان: ۹)

به نظر میرسد این شیوه تفسیر در اثر رواج اندیشه‌های حروفیه است، نهضتی که در اواخر قرن هشتم به دست فضل الله استرآبادی تأسیس شد و با اعتقاد به تقدس کلمه و رمز و راز حروف، مدعی معانی باطنی و حقیقی حروف کلمات شد. (فصلنامه دُرّ درّی، ش ۲: ص ۱۱). حروفیان بر این باورند که تمام سی و دو حرف الفبا در کلمه آدم متجلی است و از همین جهت آدم را اسم اعظم و جامع همه اسماء و صفات میدانند. (جنبش حروفیه، منابع و ...، میرفطروس: صص ۵۸۳-۵۹۵). هاشمی در بیان آفرینش انسان نیز، به نگاههای رمزی حروفیه گرایش دارد. همچنین درباره نام پیامبر نیز به اسرار حروف، با صور خیال جذاب، توجه دارد:

چون الف از نقطه کل قد کشید کلک ازل قامت احمد کشید
 پیشتر از ابجد لوح نخست شد سبق عشق به نامش درست
 (مظهرالآثار: ص ۲۱)

در رساله مرات عشق که شرح اصطلاحات صوفیه است، نیز درباره معانی باطنی و راز و رمز نقطه و حروف مطالب مهم و کمیابی آمده است. مثلاً در بخشی از آن کتاب آمده: «و حروف کونیه و دوران جمیع افلاک کلی و جزئی وجود، بر این نقطه است و چنانچه در عالم رقم، مبدأ حروف الف است که امتداد آن نفس رحمانی است...» (اصطلاحات صوفیان، ص ۷)

به نظر میرسد هاشمی کرمانی بسیار متأثر از اندیشه‌های حروفیه بوده و در عرصه این علوم باطنی کنکاشهای جدی داشته است که بازتاب آن در مظهرالآثار او هنگام شرح حروف مقدس کلمات، به یکی از ویژگیهای بارز سبکی اثر او بدل شده است. توجه به معنی حروف در مظهر الآثار، چندین بار اتفاق افتاده است. مثلاً در تفسیر «شهد ان لا اله الا الله» حرف به حرف، عبارت را شرح میدهد:

هر الف اشهد ان لا اله هست به توحید خدا یک گواه
 شین که در او شهد سعادت بود در خور انگشت شهادت بود...
 (مظهرالآثار: ۲۲)

در پژوهشهای مربوط به بررسی منابع حروفیه آمده است: «ذات الهی به استناد حروف تعریف میشود و بواسطه حروف در سراسر هستی جلوه‌های ذات حق را مشاهده میکنند...» و در ادامه توضیح میدهد که انسان مظهر کلمه و کلام خداست. (حروفیه از ابتدا تا کنون، صص ۲۰۰-۱۹۸)، (حروفیه از آغاز تا کنون با استناد به منابع دست اول، صص ۱۹۸-۲۰۰)

از فحوای ابیاتِ مربوط به تفسیر حروف در مظهرالآثار، بنمایه‌های اندیشه‌هایی از این دست کاملاً مشهود است. بعید نیست که هاشمی در این زمینه، تحت تأثیر شخصیتِ جدّ پدریش شاه قاسم انوار، شاعر و عارف بزرگ قرن نهم باشد. زیرا قاسم انوار با احمد لر از مریدان فضل الله استرآبادی حروفی (بنیانگذار جنبش حروفیّه) مراودتی داشته است. (حبیب السیر، تصحیح دبیر سیاقی: ص ۱۷-۱۵). بهر روی، بروز اندیشه‌های حروفیّه در مظهرالآثار، نمود و برجستگی دارد و به غنا و ژرفای عرفانی آن افزوده است.

۲-۵-۳- وحدت وجود و تمثیل در مظهرالآثار

در نگاه وحدت وجودی، همه عالم مجلای یک حقیقت مطلق است و تمام تعینات و تکثرات در واقع، مظاهر یک وجود مطلقند. وجود یگانه و مطلق، خداوند: بنیاد جهان‌بینی هاشمی در مظهرالآثار بر همین اصل است که در بخش مبانی عرفانی، به توحید از نگاه او اشاره شد. در جای جای مثنوی مظهرالآثار، اندیشه‌های وحدت وجودی شاعر آشکار است. او برای تبیین و تثبیت این اندیشه، از حکایات و تمثیلهای گوناگون در بخشهای مختلف بویژه بخش اصلی اثرش، یعنی مواعظ بیستگانه بهره برده است. این بیان تمثیلی که در برخی موارد صبغهٔ تعلیمی نیز به خود میگیرد، یکی از ویژگیهای مهم سبکی منظومهٔ اوست. هاشمی با استفاده از حکایات و تمثیلات نمادین به تجلّی حق در عالم هستی اشاره کرده؛ یکی از تمثیلهای او در این باره، سرگذشت قطرهٔ آب است که در سیر وجودی خود به اشکال گوناگون ظهور میکند و با اینکه در مظاهر و کثرات به سر میبرد به لحاظ هستی و وجود دارای وحدت است:

قطره و دردانه و موج و حباب گر بشناسی نبود غیر آب
بحر که از قطره سراسر پُر است در صدفش علت غایی دُر است

(مظهرالآثار: ص ۱۰۱)

ریشهٔ این اندیشه، در آثار بزرگانی چون ابن عربی است که یکی از بنیادهای عرفان نظری است. ابن عربی میگوید: «عالم به مانند آینه‌یی اسماء و صفات الهی را در صور متکثر به منصفهٔ ظهور می‌رساند.» (اندیشهٔ ابن عربی، ص ۶۷). یکی دیگر از حکایتهای تمثیلی مهم مظهر، مبتنی بر اندیشهٔ وحدت وجود، حکایت خواندنی شیشه‌گر زیباروست که در شهر حلب زندگی میکرد و به جهت زیبایی فراوان به او لقب بدیع الجمال داده بودند. همه شیفتهٔ جمال او بودند و او برای اینکه جمال خویش را بهتر ببیند، قصری بدایع نگار ساخت و در و دیوارش را از آینه بنا کرد. آینه‌هایی با رنگهای متعدّد و شکل‌های متنوّع. آنگاه وارد آن آینه شد و پرده از جمال خود برگرفت:

یافت صفاتِ خط و خالی که داشت دید به تفصیل جمالی که داشت

(مظهرالآثار: ۹۴)

در پایان حکایت، به رمزگشایی این تمثیل میپردازد:

هاشمی این منظر مینا مثال نیست به جز جلوه‌گه یک جمال
ساده شو از خویش که خورشیدِ جود در خور آینه‌ه تجلی نمود
تافته بر آینه ممکنات عکس الهی به جمیع صفات
(همان: ۹۴)

این تمثیل، ناظر به این حدیث قدسی معروف است: «كُنْتُ كَنْزاً مَخْفِيّاً فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أُعْرَفَ» (بحار الانوار، ج ۸۴: ص ۱۹۹). در پایان این بخش میتوان نتیجه گرفت که منظومه مظهر با درونمایه‌ای کاملاً عرفانی، با بیانی شورانگیز به اصلیت‌ترین دیدگاه‌های عرفان نظری توجه داشته و غنای محتوایی آن به سبب همین ژرف نگریهای حکمی و عرفانی سراینده است که با بیانی شاعرانه، تمثیلی و تعلیمی در بخشهای مختلف، عرضه شده است و به لحاظ سبکی باید آنرا در زمره آثار ذوقی-عرفانی قلمداد کرد.

۳- نتیجه:

پس از بررسی ویژگیها و برجستگیهای منظومه مظهرالآثار، سروده هاشمی کرمانی، میتوان این نتایج را مطرح کرد:

- با توجه به اینکه مظهرالآثار به پیروی از مخزن الاسرار سروده شده، طبعاً متأثر از ویژگیهای سبکی آن است، اما در کنار این شباهتها، شاخصه‌های قابل توجهی نیز در جنبه‌های زبانی، بلاغی و معنایی دارد که از رویکردهای سبکی ویژه آن حکایت میکند.

- زبان مظهرالآثار ضمن سادگی بیشتر نسبت به مخزن، به خوبی از قابلیت‌های آوایی، موسیقایی، واژگانی و نحوی بهره برده و در آن ترکیب‌سازهای نوینی روی داده است.

- در قلمرو بلاغی و ادبی، مظهرالآثار بیشتر از ایجاز و اضافه‌های استعاری و تشبیهی بهره برده و در کنار آن به نحوی متعادل از آرایه‌های لفظی و معنوی برخوردار است که با توجه به درونمایه عرفانی آن، فراوانی آرایه اقتباس و تلمیح در آن برجسته است.

- به لحاظ معنایی و محتوایی، عمده مبانی و مضامین عرفانی و حکمی از قبیل توحید، اسماء و صفات الهی، مناجات، نعت و منقبت حضرت رسول و اولیاء، اسرار حروف آیات، اسرار عبادات، اندیشه‌های وحدت وجودی و ... با بیانی شورانگیز در بستر بخشهای مختلف آن، همراه با حکایات متنوع و نسبتاً کوتاه، متبلور شده است.

- مظهرالآثار یکی از درخشانترین نمونه‌های اقتفای مخزن الاسرار است که در سده دهم هجری پدید آمده و با همه ارزشهای بالای ادبی، هنری و عرفانی ناشناخته مانده و از معدود آثار شاخص ذوقی- عرفانی این دوره و دوره‌های بعد بشمار میرود. بایسته است ادب‌پژوهان و محققان، از جنبه‌های گوناگون درباره آن مطالعه، بررسی و تحقیق انجام دهند.

فهرست منابع:

۱. قرآن کریم
۲. اصطلاحات صوفیان، (مرآت عشاق). ناشناخته. تصحیح مرضیه سلیمانی. (۱۳۸۸). چ اول. تهران: علمی و فرهنگی.
۳. اندیشه ابن عربی. مظاهری، عبدالرضا. (۱۳۸۷). چ اول. تهران: علم.
۴. انواع شعر فارسی. رستگار فسایی، منصور، (۱۳۷۳). چ اول. شیراز: نوید.
۵. بحار الانوار. مجلسی، محمد تقی. (۱۴۰۴). ج ۸۴. چ اول. بیروت: موسسه الوفا.
۶. بیان و معانی. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). چ هشتم. تهران: فردوس.
۷. پرتوهایی از قرآن و حدیث در ادب فارسی. راشد محصل، محمدرضا. (۱۳۸۰). چ اول. تهران: آستان قدس رضوی.
۸. تاریخ ادبیات در ایران. صفا، ذبیح الله. (۱۳۸۳). ج ۵. چ یازدهم. تهران: فردوس.
۹. تاریخ معصومی. معصوم بکری، سید محمد. تصحیح عمر داود بوته. (۱۳۸۲). چ اول. تهران: اساطیر.
۱۰. تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی. راستگو، سید محمد. (۱۳۷۶). چ اول. تهران: سمت.
۱۱. تذکره آتشکده بیگدلی، آذر. تصحیح حسن سادات ناصری، (۱۳۳۸). ج ۲. چ اول. تهران: امیرکبیر.
۱۲. حبیب السیر. غیاث الدین. خواند میر، به کوشش محمد دبیرسیاقی. (۱۳۸۳). چ اول. تهران: خیام.
۱۳. حروفیه از ابتدا تا کنون. فاتح، اسلو ار، ترجمه داود وفايي (۱۳۹۱)، چ اول. تهران: مولی.
۱۴. دستور مفصل امروز. فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۲). چ اول. تهران: سخن.
۱۵. دوره زبانشناسی. سوسور، فردینان دو، (۱۹۱۳). چ اول. تهران: سخن.
۱۶. رساله‌های شاه نعمت‌الله ولی، نورالدین. (۱۳۵۴). ج ۲. چ دوم. تهران: خانقاه نعمت‌اللهی.
۱۷. ریاض الشعرا. داغستانی، واله، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی. (۱۳۸۴). چ اول. تهران: سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها. فتوحی، محمود. (۱۳۹۲). چ دوم. تهران: سخن.
۱۹. سفینه خوشگو. خوشگو، بندرین داس. تصحیح سید کلیم اصغر. (۱۳۸۹). ج ۲. چ اول. تهران: کتابخانه، موز و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۲۰. طرائق الحقایق. مدرّسی، معصوم علیشاه. به کوشش محمد علی محجوب. (۱۳۷۴). ج ۳. چ دوم. تهران: سینایی.
۲۱. عرفات العاشقین. اوحدی بلیانی، تقی الدین، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی. (۱۳۸۸). ج ۶، چ اول. تهران: اساطیر.
۲۲. کاروان هند، گلچین معانی، احمد، (۱۳۶۹). ج ۲. چ اول. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۲۳. مآثر رحیمی. نهاوندی، ملا عبدالباقی. تصحیح محمد هدایت حسین. (۱۹۲۵). ج اول. کلکته: بپتس مشن.

۲۴. مجمع الفصحاء. هدایت، رضاقلی خان، به کوشش مظاهر مصفا. (۱۳۳۹). ج ۲. چ اول. تهران: امیرکبیر.

۲۵. مظهرالآثار. هاشمی کرمانی، شاه جهانگیر، بکوشش حسام الدین راشدی، (۱۹۵۷)، ج اول، کراچی، سندی ادبی بورد.

۲۶. المعجم فی معاییر اشعار العجم. رازی، شمس قیس. تصحیح محمد قزوینی. (۱۳۱۴). چ اول، تهران: کتابفروشی تهران.

۲۷. موسیقی شعر. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۴). چ هشتم. تهران: آگه.

۲۸. هفت اقلیم. رازی، امین احمد، تصحیح جواد فاضل، (۱۳۸۶). چ اول. تهران: سروش.

نشریات:

۱- فصلنامه درّ درّی. جلوه‌های عرفان در مظهرالآثار هاشمی کرمانی. چترایی، مهرداد. (۱۳۹۱). شماره ۲.

۲- مجله ایران‌شناسی، جنبش حروفیه، منابع و میر فطروس، علی. (۱۳۶۸). سال ششم. شماره ۳.

منابع انگلیسی:

1. A ligustic Guide to English poetry. Leech, Geoffrey.N.(1969),London.
2. Gramer As style. Tufte, Virginia. (1971). USA. Holt, Rinehart and Winston, INC.